

ده پرسش که هیچ امامی پاسخ نداده است

درباره ادعای تحریف کتاب مقدس – رساله‌ای جیبی

Jørn André Halseth



ده پرسش

هر گفت‌وگویی درباره عیسی در ایران سرانجام به یک جمله می‌رسد: «کتاب مقدس شما تحریف شده است.» این دیوارِ باربرِ تمامِ دعواست – برش دارید، و هر چه بر آن بنا شده فرو می‌ریزد. نخست این را ببینید که این ادعا کشف نیست؛ ضرورت است. قرآن تورات و انجیل را نور خدا می‌خواند (مائده ۴۴-۴۷)، اما آن کتاب‌ها در عهد، در صلیب و در پسر با قرآن ناسازگارند. پس آموزگار تنها سه راه دارد: بپذیرد کتاب مقدس قرآن را رد می‌کند؛ بپذیرد قرآن کتابی دروغین را تأیید کرده؛ یا اعلام کند کتاب مقدس تحریف شده است. تنها راه سوم نظام را سر پا نگاه می‌دارد – پس باید گفته شود، با مدرک یا بی‌مدرک. ادعایی که پیش از مدرک لازم باشد، اقرار است، نه استدلال. این است ده پرسش که می‌توان – با احترام – از هر مدعی آن پرسید. قرن‌هاست پرسیده می‌شوند. هرگز پاسخ نگرفته‌اند.

۱. چه کسی تحریفش کرد – نام، قرن، شهر؟

هر تحریف واقعی در تاریخ صحنه جرمی دارد: جاعلی، تاریخی، رد کاغذی. این یکی هیچ ندارد. اگر اتهام راست است، باید مستندترین جنایت تاریخ باشد – دگرگون کردن کلام خدا در سراسر جهان. نام آن مرد را بگویید. سال را بگویید. شهر را بگویید. هیچ‌کس هرگز نگفته است.

۲. چگونه در سه قاره هم‌زمان انجام شد؟

تا سال ۶۱۰ میلادی، کتاب مقدس در هزاران نسخه خطی وجود داشت – به یونانی، عبری، لاتین، سریانی، قبطی و حبشی – در دست جماعت‌هایی که با یکدیگر سخت دشمن بودند: یهود و مسیحی، بیزانسی و ایرانی، فرقه‌های رقیبی که متن‌های یکدیگر را با ولع می‌پاییدند.

تحریف «کتاب مقدس» یعنی دگرگون کردن همه آنها به یکسان، در پهنه امپراتوری‌های دشمن، بی‌آنکه یک جماعت فریاد برآورد و بی‌آنکه یک نسخه پاکیزه جایی بماند. چه کسی این را هماهنگ کرد - و چرا هیچ‌یک از دشمنان نفهمید؟

۳. چرا قمران و کتابخانه‌های جهان با کتاب مقدس امروز هم‌داستان‌اند؟

در سال ۱۹۴۷ سنگی که چوپانی بادی‌نشین به غاری در قمران، کنار بحرالمیت، انداخت کوزه‌ای را شکست - و خود زمین به شهادت برخاست. حدود دویست طومار کتاب مقدسی بیرون آمد - همه کتاب‌های عهد عتیق جز استر - رونویسی شده میان قرن سوم پیش از میلاد و قرن نخست میلادی، همه مهر و موم شده قرن‌ها پیش از محمد، و کهن‌ترینشان بیش از هفت قرن پیش از او. طومار بزرگ اشعیا، از حدود ۱۲۵ پیش از میلاد، همان کتاب است در همان شصت و شش باب - بی‌هیچ ویراست رقیب؛ ناهمسانی‌هایش با متن قرون وسطایی عمدتاً املایی و لغزش قلم - و طومار دوم اشعیا از همان غارها تقریباً حرف‌به‌حرف با متن قرون وسطایی یکی است. و اشعیا ۵۳، فصلی که بیش از همه باید دستکاری شده باشد، همان‌جا سالم خفته است، با همه زخم‌هایش، دویست سال پیش از زاده شدن عیسی - هشت قرن پیش از آنکه کسی انگیزه‌ای اسلامی برای دست‌زدن به آن داشته باشد. و قمران تازه آغاز است. عهد جدید در حدود پنج هزار و هشتصد نسخه یونانی فهرست شده بر جاست، افزون بر نزدیک به ده هزار نسخه لاتین و هزاران نسخه دیگر به سریانی و قبطی و حبشی و زبان‌های دیگر - پراکنده از ایرلند تا حبشه تا ایران، گردآوردنی و ویراستنی هیچ دستی نه. هیچ کتاب دنیای باستان حتی نزدیک نمی‌شود: ایلید هومر، نفر دوم، کمتر از دو هزار نسخه دارد؛ آثار سزار چند صد. تصویرش کنید، با همان قیاسی که دانیل والاس، پژوهشگر نسخه‌های خطی، از روی شمارش‌های واقعی حساب کرده است: نسخه‌های دست‌نویس بازمانده یک نویسنده میانگین یونان باستان را روی هم بچینید - توده‌ای می‌شود به بلندی کمر، حدود یک متر و اندی. نسخه‌های عهد جدید را - یونانی همراه با ترجمه‌های کهن - روی هم بچینید، و برج نزدیک به دو کیلومتر در آسمان بالا می‌رود: هم‌قد چهار برج امپایر استیت بر روی هم. آن آسمان‌خراش پوست‌نوشته، به‌دست ده هزار کاتب مستقل در درازای هزار سال و در سه قاره نوشته شده - و نظریه تحریف از شما می‌خواهد باور کنید همه آن، پنهانی و یکسان، ویرایش شده است. کتاب مقدس مستندترین متن تاریخ بشر است، و شاهدان مدفونش با نسخه روی تاقچه شما هم‌داستان‌اند. برجی به بلندی کوه را - آن هم پیش از پیدایی انگیزه تحریف - چگونه می‌توان تحریف کرد؟

۴. با آیه خودتان چه می‌کنید: «کلمات خدا را دگرگون‌کننده‌ای نیست»؟

انعام ۱۱۵ و کف ۲۷ کلمات خدا را تغییرناپذیر اعلام می‌کنند. اگر راست است، کتاب مقدس بر جاست - و کتاب مقدس قرآن را رد می‌کند. اگر راست نیست، قرآن نمی‌تواند مدعی حفاظتی شود که پیشینیانش نداشتند، و کتابی تحریف‌پذیر را تأیید کرده است - در متنی که مدعی است خطا ندارد. کدام سو را برمی‌گزینید؟ سومی در کار نیست.

۵. چرا خدا به محمد گفت با کتابی تحریف شده بسنجد؟

یونس ۹۴ به محمد، در لحظه تردید، دستور می‌دهد از آنان که کتاب پیش از تو را می‌خوانند بپرسد. مائده ۴۷ به اهل انجیل فرمان می‌دهد بدانچه خدا در آن نازل کرده داوری کنند. اگر آن کتاب‌ها از پیش تحریف شده بود، خدا پیامبرش را به راستی‌آزمایی با جعل فرستاده و مسیحیان را به داوری با متنی فرمان داده که به شکل معتبر وجود نداشت. آیا این همان خدایی است که از او دفاع می‌کنید؟

۶. پیشگویی محمد، و تحریف شده هر جا او را نقض می‌کند – چگونه؟

همان آموزگارانی که کتاب مقدس را تحریف شده می‌خوانند، تثنیه ۱۸ و یوحنا ۱۴ را چون پیشگویی محمد نقل می‌کنند. پس نسخه‌ها در آیه‌هایی که اسلام وام می‌گیرد امین‌اند و در آیه‌هایی که اسلام انکار می‌کند مجعول – گاه در همان صفحه. همان دم که تورات را چون پیشگویی نقل می‌کنید، توراتی را تصدیق کرده‌اید که پنج کتاب پیش‌تر، عهد را با ذکر نام به اسحاق بسته است: لکن عهد خود را با اسحاق استوار خواهم ساخت (Genesis 17:21). هیچ متنی بر زمین نمی‌تواند هر دو باشد.

۷. اگر فقط تفسیر تحریف شده، آیا متن را خواهید خواند؟

کهن‌ترین مراجع خودتان تله را دیدند. از ابن‌عباس به بعد، مفسران آغازین عمدتاً «تحریف معنا» را آموختند – که تحریف در فهم بود، نه در واژه‌های نوشته؛ و آموزه تحریف متن تنها چهار قرن پس از محمد، به دست ابن‌حزم در قرن یازدهم، نظام‌مند شد. یعنی خود این دیوار از دینی که از آن دفاع می‌کند جوان‌تر است – و آن موضع آغازین همه‌چیز را تسلیم می‌کند: اگر متن بر جاست، بگشاییدش و خود واژه‌ها را بخوانید. واژه اسحاق در پیدایش ۱۷. واژه پسر در مزمور دوم. و این، بر زبان خود خداوند، به صیغه اول شخص:

Zechariah 12:10 و بر خاندان داوود و بر ساکنان اورشلیم روح فیض و تضرعات را خواهم ریخت، و بر من که نیزه زده‌اند خواهند نگرست، و برای او ماتم خواهند گرفت چنان‌که برای پسر یگانه ماتم می‌گیرند، و برای او تلخی خواهند نمود چنان‌که برای نخست‌زاده خود تلخی می‌نمایند.

بر من که نیزه زده‌اند. این را هیچ تفسیری آنجا ننهاده است. خواهید خواند؟

۸. اصل‌های خودتان کجاست – و چرا یگانه آتش‌سوزی از آن شما بود؟

اکنون پرسش نسخه‌ها را وارونه کنید، زیرا این سنجش ویرانگر است. منبع صحیح خود اسلام – صحیح بخاری ۴۹۸۷ – ثبت کرده که خلیفه عثمان نسخه‌های ناهمسان قرآن را گرد آورد

و سوزاند تا یک متن رسمی واحد را تحمیل کند. و این یک آتش‌سوزی تنها نبود. تاریخ متنی خودِ اسلام – «کتاب المصاحف» ابن ابی‌داود – سرکوبِ مصحف‌های رقیبِ صحابه را مستند کرده است: ابن مسعود، یکی از چهار مردی که خودِ محمد مرجعِ قرآن نامیده بود، نخست از تحویلِ مصحفش سر باز زد – و سپس واپسین پرده: پس از مرگِ حفصه، والی مروان بن حکم صُحُفِ اصلی را – همان برگه‌های مادری که نسخهٔ رسمی عثمان از رویش رونویسی شده بود – گرفت و آن را نیز نابود کرد، از بیمِ آنکه نزاع‌ها را از نو بگشاید. دوباره بخوانید: **نسخهٔ مادرِ خودِ متنِ رسمی را همان حکومتی که متنِ رسمی را ساخته بود دانسته نابود کرد.** و از نسخه‌های رسمی‌ای که عثمان فرستاد؟ حتی یکی بر جای نیست. هیچ قرآن کاملی از قرنِ خودِ محمد وجود ندارد؛ کتاب‌های نامدارِ توپکاپی و سمرقند به نسل‌ها بعد تاریخ‌گذاری شده‌اند – سمرقند شاید به دو قرن بعد. کهن‌ترین شاهدِ درخورِ اعتنا – رِق‌نوشتهٔ صنعا – زیرنوشته‌ای پاک‌شده با قرائت‌های ناهمسان در خود دارد: همان ناهمسانی‌هایی که آتش‌ها برای نابودی‌شان افروخته شد، زیرِ مرکبِ زنده مانده‌اند. و مسیحیت وارونهٔ آتش‌افروزی را کرد: هر کتاب مقدسِ تحقیقی ناهمسانی‌های نسخه‌هایش را در پانوشِتِ هر صفحه چاپ می‌کند – «برخی نسخه‌ها چنین می‌خوانند...» – و داوری را به خواننده می‌سپارد. با انصاف وزن کنید: کتابی که کتاب مقدس را به تحریف متهم می‌کند، اصل‌های خودش را نابود کرد؛ و کتابی که متهم شده، نسخه‌هایی کهن‌تر از تمامِ دینِ متهم‌کننده دارد. سنتِ مطمئن به متنش، شواهد علیه خود را منتشر می‌کند. سنتِ ترسان از متنش آتش می‌افروزد – و سرانجام همان برگه‌ای را هم می‌سوزاند که آتش برای پاسداری از آن افروخته شده بود.

۹. چه کسی تنِ خود را به لعنت می‌سپارد – و چرا هیچ کاتبی هرگز لب نگشود؟

کتاب مقدس دگرگون کردنِ خود را فقط حرام نمی‌کند؛ بر سرِ آن لعنت آویخته است – بر دروازه، در میانه، و بر در خروج. تورات عهد را چنین می‌گشاید: چیزی می‌فزایید و چیزی از آن کم نکنید (Deuteronomy 4:2). امثال هشدار می‌دهد:

Proverbs 30:5-6 · هر سخنِ خدا مصفّی است؛ او سپر است برای آنانی که بر او توکل می‌دارند. به سخنان او چیزی می‌فزا، مبدا تو را توبیخ نماید و دروغگو شمرده شوی.

و واپسین بندِ کتاب مقدس – واپسین کلماتِ عیسی بر خاسته به بشریت – لعنتی است نشانه‌رفته درست به‌سوی تحریف‌گر:

Revelation 22:18-19 · زیرا هر کس را که کلامِ نبوتِ این کتاب را بشنود شهادت می‌دهم که اگر کسی بر آنها بیفزاید، خدا بلایای مکتوب در این کتاب را بر وی خواهد افزود؛ و هرگاه کسی از کلامِ این نبوت چیزی کم کند، خدا نصیب او را از درخت حیات و از شهر مقدس و از آنچه در این کتاب مکتوب است منقطع خواهد کرد.

اکنون بیندیشید نظریهٔ تحریف به واقع چه می‌طلبد. هزاران کاتب در درازای هزار سال – مردانی که آن لعنت را تا مغز استخوان باور داشتند؛ که سنتشان از ترسِ خدا واژه‌ها و حروف را می‌شمرد؛ که حتی آیه‌های مایهٔ شرمساری قوم خودشان را نگاه داشتند: گوسالهٔ زرین، انبیای سنگسار شده، انکارِ پطرس، گریختنِ رسولان – کدام جاعل علیه آبروی خود کار می‌کند؟ – همهٔ اینان باید دانسته جان خویش را به دوزخ سپرده باشند، در هماهنگی خاموش جهانی، بی‌یک رویگردان، بی‌یک اعترافِ دمِ مرگ، بی‌یک سند از آن کار، تا ابد. حتی یکی نه. این نظریه فقط بی‌مدرک نیست؛ می‌طلبد مردانی که از دوزخ می‌ترسیدند، همگی، داوطلبِ دوزخ شده باشند – برای هیچ.

۱۰. طومارِ تحریف‌شده چگونه شبکهٔ حروفش را سالم نگاه می‌دارد؟

عیسی تیزترین ادعایی را کرد که هرگز دربارهٔ متنی شده است:

Matthew 5:18 · زیرا هرآینه به شما می‌گویم تا آسمان و زمین زایل نشود، همزه یا نقطه‌ای از تورات هرگز زایل نخواهد شد تا همه واقع شود.

آن ادعا اکنون اندازه‌گرفتنی است. ۳۰۴,۸۰۵ حرفِ تورات را یک رشته بگیرید و با فاصله‌های ثابت بخوانید: هر سی‌امین حرف، او فدیهِ خواهد داد را شانزده بار می‌دهد – دوازده تایش یکی بر هر یک از دوازده هدیهٔ قبیله‌ای اعداد ۷ فرود می‌آید، به‌ترتیب، آغاز از یهودا، قبیلهٔ مسیح. هر ششصد و سی و ششمین حرف، فدیهِ را هفت بار می‌دهد، گسترده بر هر پنج کتاب، بر گذرگاه‌های نشانِ فدیهِ – وعدهٔ ابراهیمی، قانون یوبیل، کفاره. و اکنون ببینید این شاهد دو بار ناممکن است. متنِ تحریف‌شده نمی‌توانست چنین الگوهایی را نگاه دارد: در هر جای بالادست حرفی بلغزد، بیفتد یا افزوده شود، هر جایگاهِ پایین‌دست جابه‌جا می‌شود – شبکه چون موزاییکی که از دیوار بروپند فرو می‌پاشد. و هیچ جاعلی نمی‌توانست آنها را بگنجاند: رشته‌کردنِ یک واژه از میان سیصد هزار حرف با فاصله‌ای ثابت، چنان‌که به‌ترتیب بر دوازده آیهٔ آیینی بنشیند و متنِ روبین و دستور زبان و داستان دست‌نخورده بماند، از توانِ هر کاتبی در هر قرنِ بیرون است – قیده‌ها در سراسر طومار یک‌جا در هم قفل می‌شوند. این الگوها نه از تحریفِ جان به در می‌برند و نه به‌دستِ تحریف‌گر افزودنی‌اند. هستند؛ پس حروف نجنبیده‌اند. خودتان، رایگان، بیازمایید: darash.publifie.pro.

پرسشِ پشتِ آن ده

اگر کتاب بر جاست – و به گواهی هر شاهدِ فیزیکی روی زمین، بر جاست – پس گفته‌هایش بر جاست: عهد از اسحاق می‌گذرد؛ خودِ خداوند به‌سببِ تقصیرهای ما نیزه خورد و برخاست؛ پسر سخن‌پایانی خداست، و پس از او پیامبری نیست – تنها بازگشتِ خودِ او. ادعای تحریف هرگز به‌واقع دربارهٔ نسخه‌های خطی نبود. دیواری است که ساخته‌اند تا کسی به پشتش ننگرد. آن دیوار اکنون فرو ریخته است. با آنچه پشتِ آن است چه خواهید کرد؟

Isaiah 40:8 · گیاه خشک می‌شود و گل پژمرده می‌گردد، لیکن کلامِ خدای ما تا ابدالآباد استوار خواهد ماند.

برای تمامِ پرونده – عهد، صلیب، بدل‌ها و درِ گشوده – بخوانید: عیسای دیگر؛ به انگلیسی:
Jesus Another.

How this was made

This is the author's own work. It was composed with [junifye](#) and an AI assistant, drawing its Scripture and original-language work (Greek, Hebrew, cross-references) from [Darash](#) (Hebrew darash, "to seek, inquire, study"), a tool and reference work for the Bible in its original languages.

A gift of support — [Stripe](#)



Scan to read this book online